پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۷۰ ، زمستان ۱۳۸۸
صص ۱۴-۱

بررسی تأثیر فعالیت‌های کشت و صنعت بر توسعهٔ شهر نوبنیاد پارس‌آباد

رجب پناهی ـ دانشجوی دوره دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران
کرامت‌ا... زیاری* ـ استاد دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران

پذیرش مقاله: ۱۳۸۷/۳/۲ تأیید نهایی: ۱۳۸۷/۹/۶

چکیده

شناخت تأثیر فعالیت کشت و صنعت بر پویش شهرنشینی در شهر نوبنیاد پارس‌آباد، تحولات اجتماعی ـ اقتصادی و کالبدی شهر پارس‌آباد و شناخت سازوکارهای تأثیر فعالیت‌های کشت و صنعت بر توسعه شهر پارس‌آباد، از مهمترین اهداف این بررسی است. نوع تحقیق، توسعه‌ای ـ بنیادی و روش بررسی آن توصیفی ـ تحلیلی است. نتایج بررسی نشان می‌دهد که جمعیت شهر پارس‌آباد ـ که در اولین دوره سرشماری در سال ۱۳۳۵ در حدود ۵۰۰ نفر بوده است ـ با نرخ رشدی بسیار بالا در بین شهرهای کشور، در آخرین دورهٔ سرشماری در سال ۱۳۸۵ به ۸۲۰۰۰ نفر افزایش یافته است. توسعهٔ این شهر عمدتاً در نتیجهٔ گسترش فعالیت مجتمع‌های کشت و صنعت و فرصت‌های اشتغال صورت گرفته و فرآیندهای تولیدی و صنایع تبدیلی و سرانجام ارزش افزوده‌های ناشی از فعالیت‌های زنجیره‌ای وابسته به بخش کشاورزی کلان‌مقیاس با مدیریت دولتی، روند توسعهٔ آن را سرعت بخشیده است. توسعهٔ کشاورزی همچنین مشاغل جدیدی را به‌وجود آورده و بنگاه‌های مختلفی برمبنای آن دایر گردیده است. در مسیر جاده‌های اصلی و فرعی به شهر، مغازه‌ها و مراکز کسب‌وکار تازه‌ای ایجاد شده و درنهایت حجم آمدوشد به شهر مشخصاً افزایش یافته است. ۹۴ درصد افراد مورد بررسی در پژوهش حاضر، بر این باورند که کشت و صنعت‌ها و فعالیت‌های اقتصادی وابسته به آنها، بیشترین تأثیر را در توسعهٔ فیزیکی و کالبدی شهر پارس‌آباد، طی ۴۰ سال گذشته داشته‌اند. مقایسهٔ روند رشد این شهر با دیگر شهرهای استان و منطقهٔ مورد مطالعه طی نیم‌قرن اخیر، و همچنین حجم سرمایه‌گذاری گسترده و گردش مالی بالای شرکت‌های کشت و صنعت، نشان می‌دهد که توسعهٔ شهر پارس‌آباد عمدتاً از کشت و صنعت‌ها و فعالیت‌های وابسته به آنها تأثیر پذیرفته است.

کلیدواژه‌ها: مجتمع‌های کشت و صنعت، شهر نوبنیاد، توسعه کالبدی، فعالیت، پارس‌آباد.

مقدمه

برمبنای بررسی‌های انجام شده، تعداد جمعیت ساکن در مناطق شهری، در کشورهای در حال توسعه و کشورهای دارای اقتصاد در حال گذار، به دلیل ترکیبی از عوامل مهاجرت روستا ـ شهری، رشد طبیعی جمعیت شهرها و همچنین ادغام و پیوستن روستاهای واقع در اطراف شهرها در داخل آنها، به‌سرعت دو برابر خواهد شد. در اثر رشد فزایندهٔ شهرها، گسترش

نویسنده مسئول: ۰۹۱۲۱۲۶۰۶۰۲
* E-mail: zayyari@ut.ac.ir

فیزیکی شهر به مناطق پیرامون و همچنین افزایش تراکم و انباشتگی در درون شهرها اجتناب‌ناپذیر خواهد بود (World Bank, 2003, 48).

تراکم‌های بالا و فزاینده در شهرها و ارتباط بیشتر بین شهرها، همچنین ارتباط بین مناطق شهری و روستایی به افزایش بازارهای ناحیه‌ای و رشد درآمد و فعالیت‌های اقتصادی منجر می‌گردد. هدایت درستِ این پویش تحول‌آفرین، به پیدایش و شکل‌گیری فعالیت‌های جدید و فرصت‌های اشتغال مولد خواهد انجامید (UNDP, 2003, 128).

زمینه‌های بهره‌وری مناطق شهری متفاوت‌اند، و در این میان اشتغال و خدمات شهری دارای صرفهٔ اقتصادی تراکم‌اند. امتیاز بهره‌وری به این معنی است که سرمایه‌گذاری شهری از اثر فزایندهٔ قوی بر روی ترغیب و تشویق دیگر فعالیت‌های باارزش بالا، بهره می‌گیرد (FAO, 2006, 56).

شهرهای نوبنیاد براساس توسعهٔ نوعی از فعالیت‌های صنعتی، معدنی، توریسم و به‌ویژه کشاورزی تکوین و توسعه می‌یابند، و فلسفهٔ وجودی آنها به رونق فعالیت‌های غیرشهری وابسته است. با تمرکز خدمات برای فعالیتی خاص در نقطه‌ای معین، هستهٔ اولیهٔ کانون شهری شکل می‌گیرد و با گذشت زمان و با گسترش دامنهٔ فعالیت کانون شهری، بر وسعت آن افزوده می‌گردد.

شهری پارس‌آباد به‌عنوان یک کانون شهری، براساس فعالیت‌های کشاورزی از نوع کشت و صنعت[1]، شکل گرفته است. با وجود اینکه شهر پارس‌آباد از نظر سابقه و قدمت شکل‌گیری به‌عنوان یک نقطهٔ شهری، از همهٔ شهرهای ناحیهٔ دشت مغان و استان اردبیل جوان‌تر است، هم‌اکنون از نظر جمعیت و وسعت دومین شهر استان بعد از اردبیل به‌شمار می‌رود. شهر پارس‌آباد در راستای طرح توسعه و عمران دشت مغان و به‌منظور بهره‌برداری از زمین‌های حاصلخیز دشت، به‌عنوان شهری نوبنیاد و نوپا در سال ۱۳۳۲ شکل گرفت (قلمی، ۱۳۷۶، ۵۶). این شهر که ابتدا با هدف اسکان کارکنان «شرکت شیار» ایجاد گردید، روستا ـ شهری با کارکرد کشاورزی بود. با ایجاد شرکت کشت و صنعت مغان در سال ۱۳۵۱، زمینه برای سرمایه‌گذاری گسترده در ناحیه به‌وجود آمد. با تأسیس شرکت کشت و صنعت و دامپروری پارس، در مساحتی در حدود ۱۸۰۰۰ هکتار، این روند شتاب بیشتری به خود گرفت (مهندسین مشاور جامع ایران، ۱۳۶۹، ۱۰۶).

بررسی تأثیر فعالیت کشت و صنعت بر پویش شهرنشینی در شهر نوبنیاد پارس‌آباد، چگونگی تحولات اجتماعی ـ اقتصادی و کالبدی شهر پارس‌آباد، مطالعهٔ سازوکارهای تأثیر فعالیت‌های کشت و صنعت بر توسعهٔ شهریِ پارس‌آباد و شناخت رابطهٔ میان فعالیت‌های مختلف کشت و صنعت‌ها و شهر بازاری پارس‌آباد از مهمترین اهداف این پژوهش به‌شمار می‌آید. فرضیهٔ اصلی تحقیق حاضر این است که به نظر می‌رسد ایجاد مجتمع‌های کشت و صنعت و فعالیت‌های ناشی از آن در پیدایش و توسعهٔ شهر نوبنیاد پارس‌آباد تأثیر داشته و شهر در طی ۴۰ سال گذشته، روند رشد و توسعه فیزیکی شتابانی را طی کرده است.

1. Argo-industry

روش تحقیق

نوع تحقیق، «توسعه‌ای ـ بنیادی» و روش بررسی آن «توصیفی ـ تحلیلی» است. محدودهٔ جغرافیایی پژوهش، مجتمع‌های کشت و صنعت واقع در شهرستان پارس‌آباد و نیز خود شهر پارس‌آباد است. جامعهٔ آماری مورد بررسی را مردم ساکن در شهر پارس‌آباد، افراد شاغل در مجتمع‌های کشت و صنعت و کارکنان شهرداری تشکیل داده‌اند. حجم نمونه برای جامعه آماری مذکور ـ که با استفاده از فرمول کوکران محاسبه شده است ـ به ترتیب ۱۵۰، ۳۰۰ و ۲۰ مورد است. برای تعیین حجم نمونه از رابطه (۱) استفاده شده است:

$$n = \frac{\frac{t^{۲}pq}{d^{۲}}}{۱ + \frac{۱}{N}(\frac{t^{۲}pq}{d^{۲}} - ۱)}$$ رابطه (۱)

متغیرهایی مانند تغییرات تعداد جمعیت، تعداد و بُعد خانوار، تعداد واحدهای مسکونی ساخته شده، میزان اشتغال در بخش‌های اقتصادی مهم، حجم تولیدات و سهم اشتغال و سرمایه‌گذاری کشت و صنعت‌ها طی دوره‌های مختلف سرشماری و توسعه کالبدی و فیزیکی شهر طی دوره‌های مختلف بررسی شده است.

گردآوری اطلاعات از طریق آمارهای سرشماری عمومی نفوس و مسکن مرکز آمار ایران ـ مربوط به دوره‌های مختلف ـ صورت گرفته و از ابزار پرسش‌نامه هم استفاده شده است. همچنین برای شناخت چگونگی توسعهٔ شهر در ادوار مختلف، از عکس‌های هوایی و نقشه‌های موجود استفاده شده است. روش استخراج داده‌ها و شاخص‌های آماری از طریق نرم‌افزار SPSS بوده و نرم‌افزار ArcGIS برای ترسیم نقشه‌ها به کار گرفته شده است. تحلیل گزارش به صورت کیفی و با بهره‌گیری از شاخص‌های آماری و درصدی خواهد بود.

چارچوب نظری پژوهش

در بخش‌هایی از نواحی جغرافیایی که آب‌وهوایی مناسب و خاکی حاصلخیز داشته‌اند، تمدن و شهرنشینی اتفاق افتاده است. انسان در چنین شرایطی می‌توانست با استفاده از مازاد تولید، تولید بیشتری را به‌وجود آورد و به این ترتیب، نه تنها مشکلی برای تأمین معیشت و بقای وی به‌وجود نمی‌آمد، بلکه با فعالیت بیشتر، قادر بود به توسعه اقتصادی موردنظر دست پیدا کند (سلطان‌زاده، ۱۳۶۷، ۳۹-۴۰).

گروهی از طرفداران نظریهٔ هیدرولیک در پیدایش شهرها، بر این باورند که گذار از کشت بارانی به نظام آبیاری، همواره رشد شتابان جمعیت، تمرکزگرایی، ایجاد ساختمان‌ها و بناهای یادمانی، قشربندی‌های اجتماعی و توسعه و گسترش کشتزارها و در نتیجه پیدایش و توسعهٔ سکونتگاه‌های شهری را در پی داشته است (شکویی، ۱۳۷۳، ۱۴۱).

براساس نظریهٔ اقتصادی شهر، توسعهٔ کشاورزی تحت تأثیر رشد و توسعه شهری قرار می‌گیرد؛ به این معنی که کشاورزی هم مواد غذایی مورد نیاز شهر و هم مواد اولیه صنایع تولیدی شهر را تأمین می‌کند (Rondinelli, 1983, 43). تجارت این شهرها در ابتدا، انواع دانه‌ها و حیوانات زنده بوده است. شکل اصلی شهر را موقعیت بازار تعیین می‌کرد و

در فضایی گسترده، معاملهٔ پایاپای شهروندان و بازرگانان صورت می‌گرفت. میدان معاوضهٔ کالا، تنها فضای باز شهری بود (Ibid, 327).

نظریهٔ قطب رشد، بر پایهٔ این اعتقاد شکل گرفته است که کشورهای توسعه‌یافته می‌توانند از طریق سرمایه‌گذاری گسترده در صنایع سرمایه‌بر، در مراکز شهری بزرگ و مراکز ناحیه‌ای، به رشد اقتصادی و رفاه دست یابند. انتظار می‌رود که در فرایند توسعه، این رشد به مناطق روستایی اطراف نیز گسترش یابد (Satterthwaite, 1986, 188).

داگلاس در این زمینه معتقد است، یکی از پیامدهای این دوگانگی مفهومی، وجود آشکار تقسیم و تفکیکی کنجکاوانه در برنامه‌ریزی است؛ در یک‌سو برنامه‌ریزان شهری قرار دارند که به اعتقاد آنان شهر کلید دستیابی به یکپارچگی ناحیه‌ای است. روش و سیاست آنها مسلماً سیاست جانبداری شهری است. در سوی دیگر برنامه‌ریزان توسعه روستایی، شهرها را در تضاد و یا بیگانه با منافع مناطق روستایی قلمداد می‌کنند. روش آنها نیز جانبداری روستایی است؛ اگر چه برای خانواده‌های روستایی، زندگی روستایی افزون بر عناصر شهری، عناصر روستایی را نیز دربرمی‌گیرد (Douglass, 1998, 120-125).

براساس نظریهٔ اگروپلیتن فریدمن و داگلاس، توسعه روستایی می‌تواند به بهترین شکل از طریق پیوند و ارتباط با توسعهٔ شهری در سطح محلی دنبال شود. روستا ـ شهرها بیش از آنکه قطب رشد به‌شمار آیند، به عنوان بستر اصلی فعالیت‌های غیرکشاورزی و کارکردهای اداری ـ سیاسی قلمداد می‌شوند (Rondinelli, 1985, 76).

این نظریه، پارادایم جدید توسعه روستایی را سازماندهی کرده و واقعیت‌ها و پتانسیل‌های روابط روستا ـ شهری را در فرآیند تدوین سیاست‌ها ـ که الزامات اجتماعی و اکولوژیکی را با یکدیگر درمی‌آمیزد ـ یک‌پارچه می‌سازد. اگرچه این رویکرد، به شکل محدودی به کار بسته شده است، لیکن نقش بسزایی در تمرکززدایی و مشارکت در برنامه‌ریزی، در منطقهٔ آسیا ایفا کرده است (Jezef, 2001, 150). شهرهای نوبنیاد ایران را از منظر استقرار در فضا و کارکرد، می‌توان در پنج گروه عمده، یعنی شهرهای سازمانی ـ صنعتی، اقماری، شهرهای نوبنیاد با هویت مستقل، شهرهای نوبنیاد پیوسته و شهرهای شرکتی طبقه‌بندی کرد (شرکت عمران شهرهای جدید، ۱۳۸۴، ۱۳۵).

شهر مورد مطالعه در این پژوهش، جزو شهرهای شرکتی به‌شمار می‌آید. شهرک‌های شرکتی، اجتماع‌های برنامه‌ریزی‌شده‌ای برای اسکان شاغلان مجتمع‌های جدید صنعتی؛ مانند کشت و صنعت‌ها و مجتمع‌های صنعتی ـ معدنی و کشاورزی است. این گونه شهرها برای مقاصدی، نظیر استقرار صنایع جدید در نواحی دورافتاده و بهره‌برداری از منابع طبیعی در نقاط جدید، به‌وجود آمده‌اند. این الگو، اغلب فاقد مطالعات مکان‌یابی دقیق است و مسائلی همچون هزینهٔ هنگفت ساخت‌وساز، فقدان شرایط مساعد برای حمل‌ونقل، فقدان آب کافی، و نامساعد بودن آب‌وهوا، موجب عدم جذابیت آنها شده است (Miller, 2006, 17).

بحث و یافته‌ها

پارس‌آباد از شهرهای نوبنیاد و جدید کشور به‌شمار می‌آید، که در ۲۱۰ کیلومتری مرکز استان اردبیل واقع شده است. براساس تقسیمات جدید کشوری که از آغاز سال ۱۳۷۰ در این ناحیه به اجرا درآمده است، مرکز شهرستان پارس‌آباد

شناخته می‌شود. اسناد موجود و مطالعات میدانی حاکی از آن است که سابقهٔ احداث و توسعهٔ شهر پارس‌آباد به سال ۱۳۳۲ و اسکان عشایر مرزی آذربایجان برمی‌گردد (قاسمی، ۱۳۷۷، ۳۵).

براساس آمار سرشماری عمومی نفوس و مسکن کشور در سال ۱۳۳۵ کل جمعیت پارس‌آباد، که به صورت قصبه‌ای کوچک در مسیر راه‌های شمالی ناحیه اردبیل برای دسترسی به دشت‌های شمالی مغان ایفای نقش می‌کرده، ۴۹۵ نفر بوده است. در پی اجرای طرح‌های بزرگ کشاورزی، کشت و صنعت مغان و احداث کارخانه‌های پنبه پاک‌کنی و کارخانه قند و انجام سرمایه‌گذاری‌های گستردهٔ دولتی در ناحیه مغان از آغاز دهه ۱۳۴۰، رشد و توسعه شهر پارس‌آباد نیز آغاز شد؛ به‌گونه‌ای‌که در دومین سرشماری عمومی نفوس و مسکن رسمی کشور که در آبان ۱۳۴۵ انجام گرفت، جمعیت پارس‌آباد به ۲۷۳۳ نفر رسید.

در دوره ۴۵-۱۳۳۵، رشد سالانه جمعیت در این شهر به ۱۷/۸ درصد رسیده است که نشان از مهاجرپذیری شدید پارس‌آباد طی دوره مذکور دارد. در سومین دوره سرشماری عمومی نفوس و مسکن کشور که در سال ۱۳۵۵ انجام پذیرفت، تعداد جمعیت شهر با رشد ۱۱/۸ درصد، به ۸۹۱۲ نفر رسید. در دوره بعد از انقلاب،که در سال ۱۳۶۵ انجام گرفت، تعداد جمعیت شهر به ۲۷۷۹۲ نفر رسید که رشد سالیانه ۱۱/۴ درصد را طی دهه ۶۵-۱۳۵۵ نشان می‌دهد. شکل۱ تعداد جمعیت شهر پارس‌آباد را طی دوره ۱۳۳۵ تا ۱۳۸۵ نشان می‌دهد.

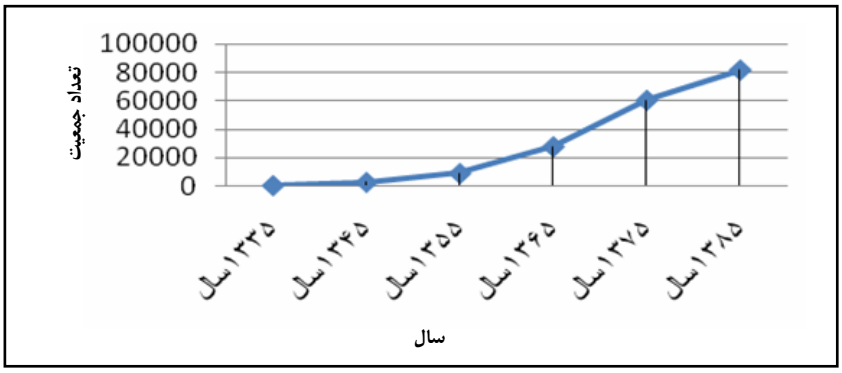

شکل ۱. تحولات جمعیت شهر پارس‌آباد (۸۵-۱۳۳۵)

در پنجمین سرشماری عمومی نفوس و مسکن کشور در سال ۱۳۷۵، کل جمعیت شهر به ۶۰,۴۸۵ نفر رسید. رشد جمعیت شهر طی این دوره تا حدودی کاهش یافته و به ۷/۶ درصد رسیده است. بالاخره در آخرین دورهٔ سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۸۵، تعداد جمعیت شهر از ۸۲,۰۰۰ نفر گذشت. بنابراین رشد جمعیت این شهر در فاصلهٔ بین دهه ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵ معادل ۳/۱ درصد بوده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۳۵، ۱۳۴۵، ۱۳۵۵، ۱۳۶۵، ۱۳۷۵، ۱۳۸۵). شکل ۲، تحولات نرخ رشد جمعیت شهر پارس‌آباد را طی سرشماری‌های ۱۳۳۵-۱۳۸۵ نشان می‌دهد.

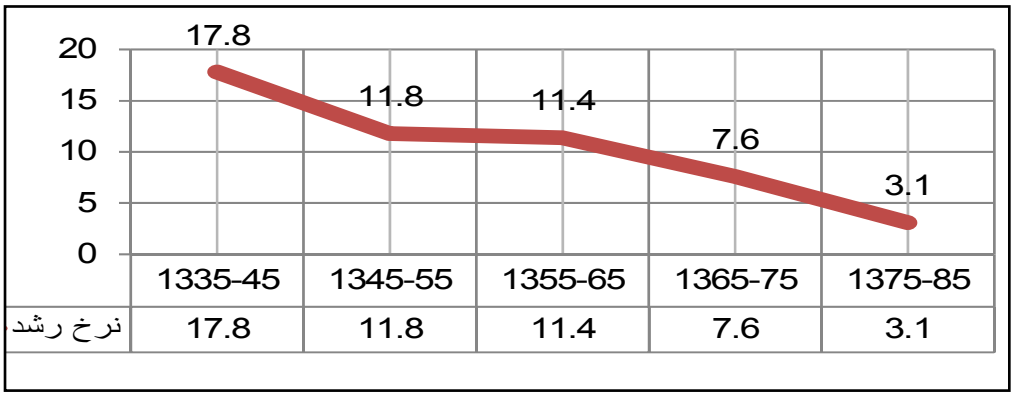

شکل ۲. تحولات نرخ رشد جمعیت شهر پارس‌آباد (۸۵-۱۳۳۵)

نتیجه اینکه در طول یک دوره ۵۰ ساله، تعداد جمعیت یک آبادی کوچک، که اکنون دومین شهر استان اردبیل به‌شمار می‌آید و به نام شهر پارس آباد شناخته می‌شود، تقریباً ۱۸۰ برابر شده و از ۴۵۹ نفر در سال ۱۳۳۵ به ۸۱۷۸۲ نفر در سال ۱۳۸۵ رسیده است. همچنین تعداد خانوارهای شهر پارس‌آباد از ۹۲ خانوار در سال ۱۳۳۵به ۱۷۶۳۸ خانوار در سال ۱۳۸۵ افزایش پیدا کرده است. جدول ۱، تحولات تعداد خانوار، جمعیت و نرخ رشد سالانه جمعیت شهر پارس آباد را بین سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۸۵ نشان می‌دهد.

جدول ۱. تحولات خانوار، تعداد جمعیت و رشد سالانه جمعیت شهر پارس‌آباد (۸۵-۱۳۳۵)

سال	تعداد خانوار (نفر)	تعداد جمعیت (نفر)	بعد خانوار (نفر)	رشد سالانه جمعیت (درصد)
۱۳۳۵	۹۲	۴۵۹	۵	-
۱۳۴۵	۵۴۷	۲۷۳۳	۵	۱۷/۸
۱۳۵۵	۱۷۴۸	۸۹۱۲	۵/۱	۱۱/۸
۱۳۶۵	۴۶۴۹	۲۷۷۹۲	۶	۱۱/۴
۱۳۷۵	۱۰۳۸۵	۶۰۴۸۵	۵/۸	۷/۶
۱۳۸۵	۱۷۶۳۸	۸۱۷۸۲	۴/۶	۳/۱

منبع: مرکز آمار ایران، نتایج سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن (۸۵-۱۳۳۵)

بررسی تحولات و رشد کالبدی شهر

بررسی روند رشد جمعیت شهر پارس‌آباد، حاکی از این واقعیت است که در طول سال‌های گذشته، این شهر همواره پذیرای مهاجران زیادی بوده است، که به همراه گسترش برنامه‌های عمرانی و سرمایه‌گذاری‌های گسترده در زمینه اشتغال و سکونت به این شهر مهاجرت کرده‌اند. روند مهاجرت که در گذشته به گونه‌ای شتابان ادامه داشت، در سال‌های اخیر تا حدودی شکل متعادل‌تری به خود گرفته و اندکی از شتاب آن کاسته شده، لیکن متوقف نشده است.

پیش از شروع فعالیت‌های کشت و صنعت در سال ۱۳۳۲، هستهٔ اولیه شهر به صورت متمرکز در کنار بخش قدیمی

شهر ـکه اطراف مسجد جامع قرار دارد ـ محدود می‌شد. با تشکیل شهر پارس آباد، فعالیت‌های کشت و صنعت، خانه‌های سازمانی، فضاهای اداری و فرودگاه قدیمی در شرق شهر، شکل گرفت. اولین طرح توسعه را دفتر فنی وزارت کشور در سال ۱۳۴۵ برای این شهر تهیه کرد، ولی شهر براساس آن توسعه نیافت. گسترش شهر تا زمان تهیهٔ طرح هادی در سال ۱۳۶۵، عمدتاً در بخش جنوبی شهر انجام می‌گرفت. در طرح هادی سال ۱۳۶۵، گسترش شهر در سمت جنوب‌شرقی پیشنهاد شد و بخش عمدهٔ این طرح عملی گردید، اما به دلیل پایین بودن قیمت زمین در حاشیه شهر، برخی ساخت‌وسازها در خارج شهر و عمدتاً در سمت جنوب اتفاق افتاد. در این مقطع، در برخی از کاربری‌های خدماتی داخل محدوده شهر نیز ساخت‌وسازها به‌صورت غیرمجاز صورت گرفت. از سال ۱۳۷۷ به بعد، تفکیک اراضی ۷۷ هکتاری در بخش جنوب غربی انجام گرفت و ساخت‌وسازهایی در برخی از قطعات شروع شد (مهندسین مشاور بانیان، ۱۳۷۹، ۶۷). شکل ۳، روند توسعهٔ شهر پارس‌آباد را از سال ۱۳۳۰ تا ۱۳۷۵ نشان می‌دهد.

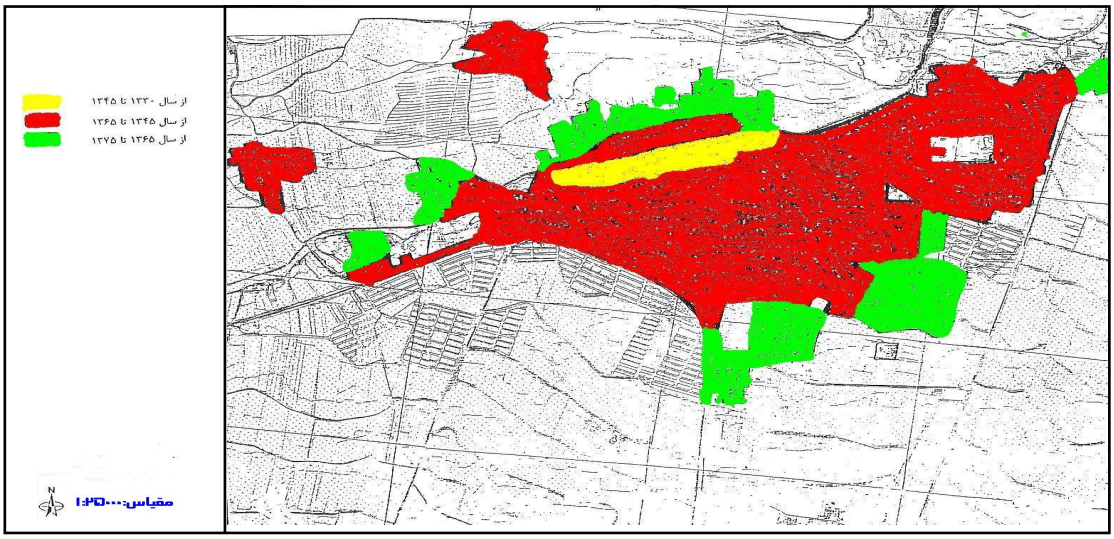

شکل ۳. توسعه ادواری شهر پارس‌آباد (۷۵-۱۳۳۰)

منبع: طرح جامع شهر پارس‌آباد

یکی از دلایل اصلی توجه به تأثیر کشت و صنعت در توسعهٔ شهر پارس‌آباد این است که اگرچه تمامی مراکز شهری موجود در منطقهٔ مورد بررسی، در مقایسه با پارس‌آباد، سابقهٔ مدنیت و شهرنشینی طولانی‌تری دارند، اما سرعت توسعهٔ این شهر به اندازه‌ای شتابان بوده که در یک دورهٔ پنجاه ساله از همهٔ شهرهای منطقه پیشی گرفته است و هم‌اکنون از نظر بسیاری از شاخص‌ها، مانند وسعت، تعداد جمعیت و حجم فعالیت‌های تولیدی، بعد از مرکز استان (شهر اردبیل)، دومین شهر استان به‌شمار می‌رود. جدول ۲ متوسط رشد سالانهٔ جمعیت شهرهای استان اردبیل را در دوره‌های مختلف نشان می‌دهد.

جدول ۲. متوسط رشد سالانه جمعیت شهرهای استان اردبیل (۸۵-۱۳۳۵) (درصد)

نام شهر	۱۳۳۵-۴۵	۱۳۴۵-۵۵	۱۳۵۵-۶۵	۱۳۶۵-۷۵	۱۳۷۵-۸۵	۱۳۳۵-۸۵
اصلاندوز	۲۶/۹۴	۵/۸۸	۳/۶۷	۳/۳۵	۳/۲۵	۸/۲۵
پارس‌آباد	۱۹/۵۳	۱۲/۵۵	۱۲/۰۵	۸/۱	۳/۰۶	۱۱/۰۰
بیله‌سوار	۴/۱۹	۷/۰۴	۳/۷۰	۲/۷۷	۰/۵۶	۳/۶۵
جعفرآباد	۱۱/۷۷	۲/۲۶	۶/۲۴	۴/۱۰	۱/۸۲	۵/۱۷
گرمی	۴/۲۲	۵/۰۸	۱۰/۲۲	۳/۵	۰/۸۲	۴/۵۶
اردبیل	۲/۴۳	۵/۸۷	۶/۶۷	۱/۹	۱/۹۴	۳/۷۴
خلخال	۲/۵۲	۳/۳۹	۹/۳۱	۴/۱۸	۰/۷۸	۴/۰۰
سرعین	۰/۹۶	۳/۱۶	۶/۰۸	۱/۰۱	۲/۲۵	۲/۶۷
گیوی	۱۲/۰۸	۱/۷۵	۱/۹۱	۵/۷۱	-۰/۵۰	۴/۰۹
مشگین‌شهر	۲/۲۲	۴/۹۵	۸/۳۴	۴/۳۷	۲/۱۰	۴/۳۷
نمین	۱/۰۸	۱/۲۰	۶/۱۳	۴/۳۲	۲/۵۶	۳/۰۴
نیر	۳/۵۳	۱/۹۹	۲/۸۵	۱/۳۵	-۰/۵۴	۱/۸۲
کلور	۳/۷۱	۵/۴۸	-۲/۰۵	-۰/۶۵	-۱/۰۴	۰/۳۸
هشتجین	۲/۹۷	۰/۴۰	۳/۱۷	۲/۳۸	-۱/۱۳	۱/۵۴

منبع: مرکز آمار، نتایج سرشماری سال‌های ۸۵-۱۳۳۵

تأثیر تحولات ناحیه در توسعهٔ شهر پارس‌آباد

پارس‌آباد از یک آبادی کم‌اهمیت، به‌سرعت و در طول چهار دهه (۱۳۸۵-۱۳۴۵) به مرکز شهری نسبتاً بزرگ، فعال و پویا تبدیل گردید. حاصلخیزی خاک و استقرار در حاشیهٔ جنوبی رودخانهٔ ارس، برتری ویژه‌ای به این شهر بخشیده بود، و در پیوند با مسائل دیگر، بالندگی آن را سبب گردید و آن را به شهری جدید و به‌عنوان مرکز ناحیهٔ مغان بدل ساخت و ساختار و استخوان‌بندی اقتصادی آن را شکل داد. تحولات مذکور را می‌توان برمبنای نظریه هیدرولیک توجیه کرد.

توسعهٔ کشاورزی، به‌عنوان اقتصاد پایه‌ای، روند توسعهٔ شهر را تسریع کرد و شهر نیز به نوبهٔ خود موجب ساماندهی بخش کشاورزی گردید و به قطب مهم کشاورزی و مرکز تهیه و تولید فرآورده‌های کشاورزی و فعالیت‌های مختلط کشاورزی و بازرگانی تبدیل شد. شرایط اقلیمی و حاصلخیزی خاک، زمینهٔ توسعه را به‌منظور افزایش انواع محصولات و تولیدات کشاورزی و ایجاد انواع فعالیت‌های اقتصادی و فرصت‌های اشتغال جدید در این ناحیه فراهم آورد. اقدامات دولت، در زمینهٔ گسترش شیوه‌های مدرن آبیاری و شبکه‌های گستردهٔ حمل‌ونقل در ناحیه و عرضهٔ انواع خدمات و نهاده‌های کشاورزی، موجب رشد و توسعه شهر و ایجاد مراکز اداری، خدماتی و تجاری مختلفی در سطح شهر گردید. بنگاه‌ها و مراکز فعالیت گوناگون در بخش‌های مختلف شهر شکل گرفت. فروشگاه‌ها و مراکز تجاری و تعمیرگاه‌های زیادی، به‌ویژه مراکز تعمیر ماشین‌آلات کشاورزی، در نقاط مختلف شهر و به‌طور مشخص در دوطرف مسیر خیابان اصلی که از شرق تا غرب شهر کشیده شده است، ایجاد گردیده و شهر به توسعه فضایی مهمی دست یافت (همان، ۷۸).

شکل‌گیری هستهٔ اولیه شهر پارس‌آباد، تقریباً در سال‌های پیش از ۱۳۳۲ اتفاق افتاد که شامل چند محلهٔ محدود، از جمله محله مساجد عباسیه و جامع و محلهٔ درویش‌آباد می‌شد. شهر در این مقطع کاملاً سیمایی روستایی داشت و تنها خیابان اصلی شهر ـ که امروزه با نام خیابان امام خمینی شناخته می‌شود ـ در جهت شرقی ـ غربی امتداد یافته بود.

روند توسعهٔ کالبدی و فیزیکی شهر تا سال ۱۳۵۵ کاملاً کند بود و این روند با آغاز فعالیت‌های خانه‌سازی شرکت شیار شتاب گرفت و توسعه شهر را به سمت شرق هدایت کرد. سومین مرحله از توسعه، از سال ۱۳۶۵ تا به امروز شکل گرفته و در این مقطع گسترش شهر عمدتاً در جهت شمال و جنوب شرقی و بعد از آن در منتهی‌الیه شرقی و غربی در حال وقوع است (مهندسین مشاور آبان، ۱۳۶۹، ۱۲۴).

در نتیجه، شهر به منظور پاسخگویی به نیاز فزاینده در خصوص تأمین سکونتگاه برای خیل عظیم جمعیت متقاضی مسکن، ناگزیر از توسعه در جهات دیگرشهر است و در این فرایند، شهر نابودی چیزی را هدف قرار داده که به خاطر آن به وجود آمده و به شکوفایی رسیده است، و آن چیزی نیست جز اراضی حاصلخیز و گرانبهای کشاورزی که نظیر آن را کمتر می‌توان یافت. بنابراین، مجموعه شرایط مذکور ایجاب می‌کند فرایند توسعهٔ شهر بسیار سنجیده و منطقی صورت گیرد. از سال ۱۳۴۸– که تقریباً مصادف با آغاز شکل‌گیری مجتمع‌های کشت و صنعت در ناحیه پارس‌آباد است ـ تا سال ۱۳۸۱، وسعت این شهر با رشدی شتابان در حدود یازده برابر افزایش یافته است. شکل ۴، روند توسعهٔ شهر را از سال ۱۳۴۸ تا ۱۳۸۱ نشان می‌دهد.

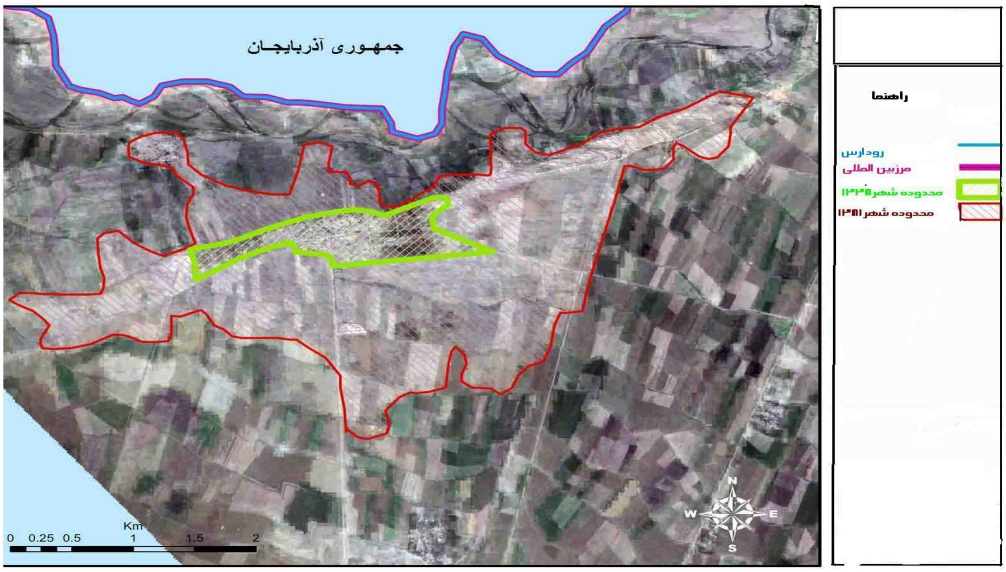

شکل ۴. محدوده شهر پارس‌آباد (۸۱-۱۳۴۸)

منبع: عکس هوایی سازمان جغرافیایی ۱۳۳۸ و تصویر ماهواره‌ای ۲۰۰۱ سازمان نقشه‌برداری

تحولات ناحیه پارس‌آباد بعد از تأسیس کشت و صنعت‌ها

همان‌گونه که اشاره شد، تا زمان تأسیس کشت و صنعت، هیچ‌گونه تحول مثبت و درخور توجهی در منطقه صورت نمی‌گرفت و به‌جز چندین آبادی ـ آن هم به صورت پراکنده و گروه‌های عشایری ـ در این ناحیه هیچ نقطهٔ شهری و

روستایی وجود نداشت. تا اینکه شرکت کشت و صنعت و دامپروری مغان در سال ۱۳۵۲، با هدف بهره‌برداری مبتنی بر کشاورزی مکانیزه و علمی از زمین‌های کشاورزی در محدوده‌ای به وسعت ۴۸۰۰۰ هکتار تأسیس شد و شروع به فعالیت کرد (همان، ۱۳۴).

ایجاد مجتمع کشت و صنعت و دامپروری مغان و توسعه کشاورزی مکانیزه، تحولات شگرف و فراوانی را در بهره‌برداری از منابع آب و خاک ناحیه، در زمینهٔ تغییر کشاورزی سنتی و معیشتی به کشاورزی صنعتی و تجاری و مدرن به‌وجود آورد، که نتیجهٔ نهایی آن در قابلیت جذب سرمایه، بازدهی سریع زمین‌های کشاورزی و افزایش ارزش افزودهٔ حاصل از تبدیل مواد خام محصولات کشاورزی به محصولات و مواد نهایی و در نتیجه بالا رفتن درآمد کشاورزان و ارتقای سطح زندگی آنان و پایداری بهره‌برداری از زمین، نمود پیدا کرد (مهندسین مشاور جامع ایران، ۱۳۶۹، ۸۶).

نظام‌های بهره‌برداری و کشاورزی مکانیزهٔ وسیع و متنوع، شرایط لازم را برای تکوین و توسعهٔ کارخانه‌ها و صنایع مهم، از جمله کارخانه‌های قند،کارخانه رب‌سازی، آب‌میوه و ...، در ناحیه فراهم کرده و این صنایع باعث گسترش و شیوع گستردهٔ دانش و فناوری در ناحیه گردیده است. روند و شتاب توسعه در ناحیه بسیار روشن و امیدوارکننده است، به‌گونه‌ای که در طول چند دههٔ گذشته با ایجاد فرصت‌های اشتغال گوناگون، مهاجران زیادی را از مناطق مختلف استان و حتی استان‌های همجوار به سوی خود جذب کرده است. از کل ۱۲۱۴۳۶ نفر مهاجرِ وارد شده به استان اردبیل تا سال ۱۳۷۵، در حدود ۲۰،۰۰۰ نفر وارد شهرستان پارس‌آباد (عمدتاً شهر پارس‌آباد) شدند ـ که در حدود ۱۶/۵ درصد مهاجران وارد شده به استان را تشکیل می‌دهد. براساس یافته‌های تحقیق، مجتمع‌های کشت و صنعت مغان و پارس و صنایع و فعالیت‌های وابسته به آنها، از اصلی‌ترین انگیزه‌های مهاجرت به این شهر عنوان شده است. با ایجاد کشت و صنعت و دامپروری مغان، شبکه‌های کانال‌های آبیاری گسترده و وسیع در ناحیه احداث شد، که ضمن ایجاد شرایط برای آبیاری زمین‌های کشاورزی در مقیاس بزرگ، زمینه را برای اسکان عشایر کوچ‌نشین، فراهم کرد (همان، ۸۹).

به‌طور کلی، ناحیه مورد بررسی، با توجه به بهره‌مندی از توان و پتانسیل‌های طبیعی و کشاورزی فراوان، با آغاز فعالیت واحدهای کشت و صنعت، دستخوش تغییر و تحولات گسترده و شگرفی شده است. در آن زمان، روابط گسترده‌ای بین شهر پارس‌آباد و روستاهای واقع در حوزهٔ پسکرانهٔ آن شکل گرفت، فرصت‌های اشتغال جدید و متنوعی به‌وجود آمد و سطح درآمد و رفاه مردم ناحیه مشخصاً افزایش یافت. مهمتر از همه اینکه روند توسعه و آبادانی در بخش مهمی از کشور که پیش از تأسیس مجتمع‌های کشت و صنعت، با روش‌های ابتدایی و غیرعلمی انجام می‌گرفت، شکلی علمی و منطقی پیدا کرد و این ناحیه را به کانون تمرکز سرمایه و ثروت و انواع خلاقیت و نوآوری در زمینه‌های مختلف بدل ساخت. مجموعهٔ این تحولات گسترده را، که با تأسیس مجتمع کشت و صنعت مغان آغاز شد، می‌توان تحول مثبتی تلقی کرد که بهترین و مثبت‌ترین جلوهٔ آن در تکوین و توسعهٔ شهر نوبنیاد پارس‌آباد، نمود پیدا کرد (حسینی، ۱۳۸۰، ۶۶).

براساس نتایج به‌دست آمده از بررسی‌های میدانی، در حدود ۶۳ درصد افراد شرکت‌کننده در این مطالعه، عقیده دارند که بیشترین درآمد هزینه‌شده در شهر پارس‌آباد، ناشی از فعالیت‌های کشاورزی و فعالیت‌های وابسته به کشاورزی است و

در صورت بروز رکود در این بخش، دیگر بخش‌ها و فعالیت‌های شهر به شدت تحت تأثیر قرار می‌گیرند. در جدول ۳ مهم‌ترین نتایج به دست آمده از مطالعات میدانی نشان داده شده است.

جدول ۳. تأثیر کشت و صنعت در شرایط زندگی، توسعه شهری و ایجاد و گسترش فرصت‌های شغلی و خدمات زیربنایی (درصد)

دامنه / شرح	بسیار کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	جمع کل
تأثیر کشت و صنعت‌ها در بهبود زندگی مردم شهر	۱/۷	۵/۳	۳۶	۴۰	۱۷	۱۰۰
تأثیر کشت و صنعت‌ها در توسعه و آبادانی شهر	۰/۳	۰/۳	۱۵/۴	۵۳	۳۱	۱۰۰
تأثیر کشت و صنعت‌ها در ایجاد فرصت‌های اشتغال و گسترش خدمات زیربنایی در شهر	۱/۳	۱۶/۷	۱۵	۳۹/۷	۲۷/۳	۱۰۰

منبع: نگارندگان

در حدود ۱/۷ درصد افراد اعتقاد دارند که مجتمع‌های کشت و صنعت و فعالیت‌های وابسته در حد بسیار کم، ۵/۳ درصد کم، ۳۶ درصد متوسط، ۴۰ درصد زیاد و بالاخره در حدود ۱۷ درصد خیلی زیاد، در زندگی آنها تأثیر می‌گذارد. به عبارتی، اکثریت افراد بر این باورند که کشت و صنعت‌ها در حد زیاد و خیلی زیاد در بهبود زندگی آنها نقش داشته است.

در حدود ۰/۳ درصد افراد در حد بسیار کم، ۰/۳ درصد کم، ۱۵/۴ درصد در حد متوسط، ۵۳ درصد در حد زیاد و ۳۱ درصد در حد بسیار زیاد، ایجاد و توسعه مجتمع‌های کشت و صنعت را در توسعه و آبادانی شهر پارس‌آباد مؤثر می‌دانند. در نتیجه، اکثریت افراد شهر کشت و صنعت را در فرآیند تکوین و توسعه شهر مؤثر می‌دانند.

اکثر کارمندان مجتمع‌های کشت و صنعت‌ها، یعنی بیش از ۸۰ درصد کارکنان، در شهر پارس‌آباد سکونت دارند. در حدود ۱۱ درصد کارکنان شرکت‌های کشت و صنعت در شهر بیله‌سوار سکونت اختیار کرده‌اند و محل سکونت ۳/۳ درصد کارکنان نیز شهر اصلاندوز ـ دومین شهر شهرستان پارس آباد ـ است.

حدود ۶۵ درصد افراد پاسخ‌دهنده، عقیده دارند که حذف کشت و صنعت‌ها، موجب کند شدن فرآیند رشد و توسعهٔ شهر خواهد شد. ۲۸ درصد افراد اظهار کرده‌اند که حذف مجتمع‌های کشت و صنعت باعث کند شدن توسعه شهر می‌شود و در حدود ۷ درصد اعتقاد دارند که با حذف کشت و صنعت‌ها تغییری در پویش توسعه شهر به‌وجود نخواهد آمد.

حجم سرمایه‌گذاری انجام گرفته، به‌منظور ایجاد دو مجتمع کشت و صنعت و دامپروری مغان و پارس که از محل سرمایه‌گذاری کلان ملی صورت گرفته، به میلیاردها تومان می‌رسد. گردش مالی دو شرکت مذکور در طول سال ده‌ها میلیارد تومان، و مجموع اشتغال‌زایی در این شرکت‌ها در حدود ۱۰,۰۰۰ هزار نفر است. شرکت‌های کشت و صنعت و پارس سالانه در حدود ۴۰ میلیارد تومان در قالب حقوق و دستمزد به کارکنان پرداخت می‌کنند. به این ترتیب می‌توان گفت که حیات اقتصادی شهر عمدتاً وابسته به فعالیت‌های این شرکت‌هاست (گزارش هیئت مدیره کشت و صنعت مغان، ۱۳۸۶، ۲۳).

تجزیه و تحلیل داده‌ها پس از استخراج اطلاعات پرسش‌نامه‌ها که شامل آمار استنتاجی و توصیفی، از جمله فراوانی، درصد، میانگین، میانه، نما، انحراف استاندارد و آمار استنباطی شامل t تک‌متغیرهٔ تحلیل عاملی و بررسی عوامل مختلف با یکدیگر است، انجام گرفت. از آزمون t تک‌متغیره بدین منظور استفاده شد که براساس نمونهٔ موردنظر، متغیری به کل جامعه تعمیم داده شود. در این آزمون، میانگین جامعه به‌صورت فرضی برآورد می‌شود، به این صورت که پاسخ جامعه به سؤالات پرسش‌نامه در حد متوسط در نظر گرفته می‌شود و در تعداد پرسش‌ها ضرب می‌شود، و این شاخص به عنوان میانگین جامعه محسوب می‌گردد. همان‌گونه که اشاره شد، نتایج به‌دست آمده از آزمون این فرضیه، نشان می‌دهد که میانگین نظر پاسخ‌دهندگان M۱ = ۴/۰۵ و M۲=۳ است و تفاوت با توجه به t=۴/۷۰۲ در سطح α =۰/۰۵ معنی‌دارست و نشان می‌دهد که افراد، ایجاد مجتمع‌های کشت و صنعت و فعالیت‌های وابسته به آن را در پیدایش و توسعهٔ شهر نوبنیاد پارس‌آباد مؤثر می‌دانند.

به‌منظور بررسی نظر گروه‌ها از آزمون شفه[1]، استفاده گردیده و نتیجهٔ بررسی نشان می‌دهد که کارکنان شهرداری با میانگین M۱=۴/۰۵ و سپس کارکنان خدمات داخل شهر با M۲=۴/۱۴ و در آخر کارکنان شرکت‌های کشت و صنعت با M۲=۳/۶۰، با نتیجهٔ آزمون t موافق‌اند، و براساس یافته‌های بررسی، کارکنان بخش خدمات شهری نسبت به دیگر گروه‌ها در این زمینه موافق‌ترند.

نتیجه‌گیری

شهر پارس‌آباد در راستای طرح توسعه و عمران دشت مغان و به‌منظور بهره‌برداری از زمین‌های حاصلخیز دشت به مثابه شهری نوبنیاد و نوپا در سال ۱۳۳۲ شکل گرفت. این شهر در سال ۱۳۳۵ جمعاً ۴۵۹ نفر جمعیت داشت. جمعیت شهر در سال ۱۳۴۵ به ۲۰۵۰ نفر، در سال ۱۳۵۵ به ۸۹۱۲ نفر، در سال ۱۳۶۵ به ۲۷۷۹۶ نفر و در سال ۱۳۷۵ به ۶۰۴۸۵ نفر افزایش یافت. براساس آخرین سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۸۵، جمعیت این شهر به ۸۲,۰۰۰ نفر رسید.

رشد جمعیت شهر پارس‌آباد در دوره‌های ۴۵-۱۳۳۵، ۵۵-۱۳۴۵، ۶۵-۱۳۵۵، ۷۵-۱۳۶۵ و ۸۵-۱۳۷۵ به ترتیب معادل ۱۷/۸، ۱۱/۸، ۱۱/۴، ۷/۶ و ۳/۱ درصد بوده و این امر نشان از مهاجرپذیر بودن شهر پارس‌آباد طی دوره‌های مذکور دارد.

براساس اطلاعات به‌دست آمده از بررسی عکس‌های هوایی و تصاویر ماهواره‌ای، جمعیت شهر پارس‌آباد در فاصله بین سال‌های ۱۳۴۸ تا ۱۳۸۱، در حدود یازده برابر افزایش یافته است.

برای ایجاد مجتمع کشت و صنعت و دامپروری مغان و پارس، سرمایه‌گذاری وسیعی انجام گرفته و گردش مالی دو شرکت مذکور در طول سال بالغ بر میلیاردها تومان است. مجتمع‌های کشت و صنعت، سهم عمدهٔ اشتغال شهر را به خود اختصاص داده‌اند. افزون بر این، خدماتی مانند حمل‌ونقل مایحتاج شرکت‌ها، کارکنان و خانواده‌های آنان و صنایع وابسته

1. Scheffe

و دیگر خدمات مرتبط با فعالیت‌های شرکت‌ها ـ چندین برابرِ اشتغال مستقیم شرکت‌ها ـ فرصت‌های اشتغال غیرمستقیم را به‌وجود آورده است. به‌طور کلی می‌توان گفت که ادامه حیات این شهر بدون مجتمع‌های کشت و صنعت، غیرممکن می‌نماید.

براساس یافته‌های به‌دست آمده از طریق بررسی متون و منابع و همچنین مطالعهٔ میدانی و استخراج نتایج پرسش‌نامه‌ها، بیش از ۹۰ درصد افراد، بر این باورند که تکوین و توسعهٔ شرکت‌های کشت و صنعت و فعالیت‌های وابسته به آنها و مازاد کشاورزی ناشی از این فعالیت‌ها، نقش اصلی را در شکل‌گیری و توسعهٔ شهر ایفا کرده و در صورت حذف آنها، ادامه حیات اقتصادی و اجتماعی شهر ناممکن خواهد بود.

براساس نتایج آزمون شفه، کارکنان شهرداری با میانگین M=۸، سپس کارکنان شرکت‌های کشت و صنعت با میانگین M = ۴/۰۸ و بالاخره، بخش ارائه‌کننده خدمات داخل شهر با میانگین M=۳/۶۳، اعتقاد دارند که مازاد تولیدات کشاورزی در مجتمع‌های کشت و صنعت و فعالیت‌ها و صنایع وابسته به آنها، بیشترین تأثیر را در توسعه اقتصادی، جمعیتی و کالبدی شهر نوبنیاد پارس‌آباد داشته است.

یکی از دلایل توجه و مطالعهٔ نقش خاص کشت و صنعت‌ها و کشاورزی در توسعه شهر پارس‌آباد این است که شهرهای زیادی در منطقهٔ مورد مطالعه وجود دارند که دارای تاریخ نسبتاً طولانی هستند و از نظر دسترسی و شبکهٔ راه‌ها، موقعیت مناسب‌تری نسبت به پارس‌آباد دارند، لیکن، توسعه آنها در طول تاریخ طولانی‌شان، به میزان پنج دههٔ اخیر پارس‌آباد نبوده است.

منابع

Aban Consulting Engineers, 1990, **The Guide Plan of Pars Abad**, Ministry of Housing, Tehran.

Banhan Consulting Engineers, 2000, **The Master Plan of Pars Abad**, Vol. 2, Ministry of Housing, Tehran.

Douglass, M., 1998, **A Regional Network Strategy for Reciprocal Rural-Urban Linkages**, World Population Bulletin, Third World Planning Review, Vol. 20, No. 1, pp. 38-40.

FAO, 2006, **The State of Food and Agriculture in Asia and Pacific**, Rome.

Ghalami, A., 1989, **The History of Moghan**, Farsad Press, Tehran.

Ghasemi, A., 1999, **Moghan the Gem of Azarbayjan**, Vol. 1, Ministry of Culture & Islamic Guidance Press, Tehran.

Husseini, H., 2001, **An Analysis of the Performances of the National Pars Agro-industry Company**, M.S. thesis, State Management Center, Tehran.

Iran Statistics Bureau, 1956, **General Census of Population & Housing,** Tehran.

Iran Statistics Bureau, 1966, **General Census of Population & Housing,** Tehran.

Iran Statistics Bureau, 1976, **General Census of Population & Housing,** Tehran.

Iran Statistics Bureau, 1986, **General Census of Population & Housing,** Tehran.

Iran Statistics Bureau, 1996, **General Census of Population & Housing,** Tehran.

Iran Statistics Bureau, 2006, **General Census of Population & Housing,** Tehran.

Jame Iran Consulting Engineers, 1990, **The Master Plan of the Pars Agro-industry Company,** Vol. 3, Tehran.

Jezeph, D., 2001, **A Rural-Urban Partnership Development**, World Development, Vol. 29, No. 8, p. 65.

Lock, D., 2002, **The New Towns-their Problems and Future**, Town and Country Planning Publication, United Kingdom.

Miller, 2006, **The Promise of Urban Agriculture**, New Towns, London.

Report 2007, **Performance of the Board of Director of the Moghan Agro-industry Company,** Pars Abad.

Rondinelli, A.D., 1983, **Secondary Cities in Developing Countries: Policies for Diffusing Urbanization**, Beverly Hill, Sage Publication, London.

Rondinelli, A.D., 1985, **Applied Methods of Regional Analysis, The Spatial Dimensions of Development Policy**, Westview Press/ Boulder, Routledge, London.

Satterthwaite, D., 1986, **Small and Intermediate Urban Centres, Their Role in National Development in the Third World**, Toronto: Hodder and Stoughton.

Shakooei, H., 1993, **New Approaches in Urban Geography**, Samt Press, Tehran.

Soltanzade, H., 1989, **An Introduction on the History of City & Urbanization in Iran**, Amir Kabir Press.

The New Towns Development Corporation, 2005, **New Towns A New Cultures on Urbanization**, Papers on International Conference on New Towns Tehran, Iran.

United Nations Development Program (UNDP), 2003, **Human Development Report,** Oxford University Press, London.

World Bank, 2003, **World Development Report**, Oxford University Press, London.